



# علیه اعدام



## مردم ترکیه علیه اعدام در ایران

بیش از ۲۰۰۰ نفر طومار اعتراض به اعدام کبرا رحمانپور را در آنکارا امضا کردند.

ابتکار برگزاری میز اطلاعاتی در مرکز شهر بین المللی علیه اعدام از این موضوع استقبال آنکارا، توجه های زیادی را به احکام اعدام در کرده و با طرح سوالات متعددی در مورد ایران جلب کرد. مردم ترکیه که خود با قتل احکام اعدام در ایران و چگونگی کمک عام دولتی تحت نام اعدام آشنا هستند، از خودشان برای نجات جان محکومین به بحث و همان لحظات اول برپایی میز اطلاعاتی کمیته گفتگو با نازیلا ادامه در صفحه ۳

## فستیوال حق زندگی برای همه انسانها

### منوچهر ماسوری

جنبش علیه اعدام، جنبشی وسیع با پشتوانه از کشورها هم هرچند قانون کیفری خود را عمیق انسانی و اجتماعی در دنیا است. در هنوز اصلاح نکرده اند اما عملاً سالهاست که بیش از نیمی از کشورهای جهان، قانوناً کسی را اعدام نکرده اند. در سال گذشته مجازات اعدام ممنوع است. در بیست سال تنها، 25 کشور مجازات اعدام را عملی اخیر، هر ساله سه کشور جمع کشورهای کردند که جمهوری اسلامی ایران، بر حسب مخالف مجازات اعدام می پیوندند. بسیاری تعداد اعدامی در رده دوم قرار گرفته است. این جنبش در سالهای اخیر در ایران رشد بسیار عمیق و وسیعی پیدا کرده است. مقامات قضایی کشور و تشکیلات مجامع و انجمنهای علیه قانون اعدام، فقط بخشی از این اعتراضات بحق و انسانی مردم ما است. در شکلهای مختلف به نمایش گذاشته اند. بهم ریختن بساط نمایشی علنی اعدامهای

ادامه در صفحه ۴

## درباره لغو مجازات اعدام، ضرورت و اهمیت آن

**آذر ماجدی:** برنامه حزب کمونیست کارگری ایران، یک دنیای بهتر بر ضرورت لغو مجازات اعدام تأکید کرده می خواستم که از شما بپرسم چرا حزب کمونیست کارگری ایران تأکید دارد که مجازات اعدام باید به کلی لغو شود؟

**منصور حکمت:** مجازات اعدام خیلی روشن است، قتل عمد است. از پیش تصمیم میگیرند کسی را بکشند و میروند سر یک روز معینی و با یک مراسمی میکشند. این برای کسی که با قتل نفس مخالف است، یک عقیده طبیعی و نتیجه منطقی است که بگوید ادامه در صفحه ۵

### مصاحبه رادیوانترناسیونال با منصور حکمت

این مصاحبه توسط آذر ماجدی در تاریخ ۸ نوامبر ۲۰۰۰ بعمل آمده است. متن کتبی این گفتگو برای اولین بار توسط بابک شدیدی مکتوب و در اختیار نشریه علیه اعدام گذاشته شده است. با تشکر از بابک شدیدی

به حکم اعدام عزیز اله شن ورزی ۱۷ ساله  
اعتراض کنید

اعدام نمایشی

منصور تکاشوند از ایران ص ۴

اخبار اعدام در  
ایران

الهام بهزادی زاده تهرانی

کردن همه احکام اعدام که حکومت اسلامی در هفته های اخیر اعلام و در صدد اجرای آن است، به این حکم وحشیانه بر علیه یک نوجوان بشدت معترض است و از همه سازمانهای مدافع حقوق انسانی دعوت میکند که به حکم اعدام عزیزالله شنواری فوراً اعتراض کنند.

## به حکم اعدام عزیزالله شنواری ۱۷ ساله اعتراض کنید

جمهوری اسلامی ایران با وقاحت کامل کودک سیاهی، خواهان اجرای این حکم هستند. اعدام محکوم شده است.

### کمیته بین المللی علیه اعدام

۱۳ ساله ای را در سال ۲۰۰۱ به اعدام عزیزالله شنواری متولد افغانستان است و در سازمان عفو بین الملل در اعتراض به این محکوم کرد. اکنون در سن ۱۷ سالگی ایران زندگی میکند. وی به اتهام دخالت در حکم، فراخوان به یک کمپین فوری داده است. مسئولین این حکومت جنایت و وحشت و تجارت زنان و همکاری با پدرش در این امر به کمیته بین المللی علیه اعدام، ضمن محکوم

این طومار را امضا کرده اند. ما ضمن تقدیر از کار این دوستان از همگان دعوت میکنیم که به این کمپین اعتراضی بھر طریق ممکن کمک کنند.

کمپین بین المللی ما برای نجات جان محکومین به اعدام و کبرا رحمانپور از خطر اعدام کماکان ادامه دارد و ما میکوشیم با مجموعه فعالیتهای خودمان این قربانیان را از زیر تیغ اعدام حکومت جنایتکار اسلامی نجات دهیم.

به این کمپین جهانی بپیوندد و کمک کنید تا کبرا رحمانپور و حجت زمانی و دیگر محکومین به اعدام را نجات دهیم.

### کمیته بین المللی علیه اعدام

۱۸ آپریل ۲۰۰۵

احکام اعدام و بویژه حکم اعدام بر علیه کبرا رحمانپور را به امضا مردم برسانند. تا کنون و در طول سه روز بیش از ۲۰۰۰ نفر



### مردم ترکیه علیه اعدام در ایران ...

ادامه از صفحه اول

بین المللی علیه اعدام پرداختند.

فعالین این حرکت را کسانی تشکیل میدهند که سالهای سال است از دست حکومت اسلامی فرار کرده و در ترکیه در بدترین شرایط و با تحمل خطرات فراوان زندگی و فعالیت سیاسی میکنند. برگزاری میز اطلاعاتی در مرکز شهر آنکارا، یک اقدام بسیار مهم و شجاعانه از سوی این دوستان و فعالین همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی است.

در این میز اطلاعاتی که قرار است به مدت یک هفته در مرکز شهر آنکارا برپا شود، مدافعین حقوق انسانی قرار است به افشاگری بر علیه حکومت اسلامی و احکام فزاینده اعدام در ایران بپردازند و طومار اعتراض به

## اطلاعیه مراسم یادبود منصور حکمت

### روز شنبه دوم ژوئیه یاد منصور حکمت را گرامی میداریم.

در این روز ابتدا در های گیت گرد می آئیم و سپس در سالنی جمع میشویم. از همه دوستداران منصور حکمت دعوت میکنم که در مراسم یادبود این انسان عزیز و فراموش نشدنی شرکت کنند.

جزئیات مربوط به ساعت و محل تجمع بعداً به اطلاع عموم خواهد رسید.

بمنظور تسهیل شرکتتان در مراسم و انجام هر چه بهتر تدارکات لطفاً شرکتتان را در مراسم هر چه سریعتر به ما اطلاع دهید. توصیه می کنیم دوستانی که احتیاج به محل اقامت در لندن دارند، سریعاً با ما تماس بگیرند تا بتوانیم کمک های لازم را برای یافتن یک محل مناسب در اختیارشان قرار دهیم.

salgardinfo@yahoo.co.uk

+۴۴ ۷۷۸۹۸۰۱۲۵۰

آذر ماجدی

۱۷ آوریل ۲۰۰۵

## سردبیر نشریه علیه اعدام

### فرشاد حسینی

تلفن: ۰۰۳۱۶۱۳۹۴۰۵۳۴

فاکس: ۰۰۱۷۳۴۵۳۸۶۱۶۵

ای میل:

farshadhoseini@yahoo.com

### دبیر کمیته بین المللی علیه اعدام

### مینا احدی

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

ای میل:

minaahadi@aol.com

علیه اعدام سه شنبه ها منتشر میشود

# اخبار اعدام در ایران

## تهیه کننده: الهام بهزادی زاده تهرانی

**جمهوری اسلامی تنها طی یک هفته گذشته حکم اعدام ۱۱ نفر را صادر کرده و ۵ تن دیگر را نیز در شهرهای ساوه، تویسرکان و یاسوج به دار آویخته است.**

چهارشنبه، ۲۴ فروردین ۱۳۸۴: امروز اعلام شد دستگاه قضایی رژیم اسلامی حکم اعدام دو جوان را در تهران صادر کرده است. اتهام این دو جوان به نامهای محمد م و محمد ش، قتل عنوان شده است. رژیم اسلامی همچنین دو نفر را صبح روز گذشته در زندان مرکزی شهرستان یاسوج حلق آویز کرد. اتهام این دو نفر به نامهای حاتم جلیلی کیش، ۳۸ ساله و علی فتح همتی، ۵۰ ساله، نیز قتل عنوان شده است. لازم به ذکر است که چهارشنبه گذشته نیز سه نفر در شهرهای ساوه و تویسرکان در ملاعام بدار آویخته شدند. رژیم اسلامی همچنین اعلام کرد که صبح روز شنبه آینده پدر و پسری را در شهر اصفهان در ملاعام اعدام خواهد کرد. اتهام این پدر و پسر به نامهای موسی علی محمدی، ۴۶ ساله و رسول، ۱۷ ساله، آدم ربایی عنوان شده است. موسی علی محمدی، پدر راس ساعت ۶:۳۰ دقیقه صبح روز شنبه در خیابان ۲۴متری اصفهان و رسول، پسر همزمان در زندان مرکزی اصفهان حلق آویز خواهند شد.

## قطع دست راست و پای چپ یک جوان در زندان کارون اهواز

چهارشنبه، ۲۴ فروردین ۱۳۸۴: روزنامه همبستگی در شماره امروز خود، ۲۴ فروردین ماه نوشت صبح امروز دست راست و پای چپ یک جوان در زندان کارون اهواز قطع خواهد شد. اتهام این جوان که محمد ب نام دارد سرقت عنوان شده است.

## ادامه صدور احکام اعدام در ملاء عام توسط رژیم اسلامی

دوشنبه، ۲۲ فروردین ۱۳۸۴: رژیم جمهوری اسلامی بی اعتنا به درخواست سازمانهای

اند بعد از برگزاری جلسه دادگاه به اعدام محکوم شده اند که این حکم حدود ۲ ماه پیش از سوی دیوان عالی کشور نیز تایید و جهت اجرا به دایره اجرای احکام دادگستری اصفهان ارسال شد.

## تایید حکم اعدام قاتلان زوج سرایدار اشتهارد

روزنامه شرق: ۱۷ آوریل ۲۰۰۵- دو کارگری که در سال ۸۲ زوج سرایداری را به دلیل سرقت در منزلشان به قتل رسانده بودند با تایید حکم از سوی دیوان عالی در یک قدمی اعدام قرار گرفتند، هفتم شهریور ماه سال ۸۲ در یک شهرک صنعتی واقع در اشتهارد جمال و همسرش هر قیه از سوی ۲ کارگر ساختمانی به نام هار نعمت و کاظم به قتل رسیدند در خصوص این جنایت پرونده ای در شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تشکیل شد و در آن متهمان در ۲۵ شهریور سال گذشته محاکمه شدند که حکم نهایی در ۱۸ بهمن ماه ۸۳ تایید و پرونده همکنون برای تایید قصاص توسط ریاست قوه قضاییه به اجرای احکام دادسرای جنایی تهران فرستاده شد.

## حاتم گرگی تا آخر این ماه اعدام می شود

روزنامه شرق: ۱۲ آوریل ۲۰۰۵- حاتم گرگی عامل جنایت جنگل قوچک تا پایان ماه جاری در محل جنایت اعدام میشود، ناصر قریشی قاضی شعبه اجرای احکام دادسرای جنایی تهران با اعلام این خبر گفت متهم مهر ماه سال ۸۱ در پارک جنگلی قوچک تازه دامادی را به قتل رسانده که پس از دستگیری و اعتراف به این قتل از سوی قاضی شعبه ۱۱۵۴ دادگاه عمومی جزایی تهران به قصاص محکوم شد.

## اعدام در ملاء عام

حکم اعدام یکی از ریابندگان بیش از ۴۰ دختر خرد سال اصفهانی صبح امروز در فلکه طوقچی و در حضور بیش از ۵ هزار نفر از مردم به اجرا درآمد. این پرونده که ۲۵ شاکی داشت در شعبه ۵۳ دادگستری اصفهان مورد رسیدگی قرار گرفت و هر دو به اعدام محکوم شدند حکم صادره در شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور تایید شد و مقرر شد تا موسی علی محمدی در ملاعام و رسول در محل زندان مرکزی اصفهان به اجرا در

آید. که حکم رسول که پسر موسی است به دستور نماینده مدعی العموم فعلا به تعویق افتاده.

## اعدام در ملاعام

روزنامه ایران نوشت دو پسر جوان که به اتهام تجاوز به زنی ۷۰ ساله دستگیر شده بودند از سوی قاضی شعبه ۱۰۱ دادگستری کرمان به اعدام در ملاعام محکوم شدند. بنابراین این گزارش دو متهم در نخستین مرحله رسیدگی به پرونده از اتهام تجاوز به عنف تبرئه شدند، ولی با احتراض شاکی دیوان عالی کشور را ی صادره را نقض کرده و بار دیگر برای رسیدگی به شعبه دیگری ارجاع داد. امیری تبار قاضی ۱۰۱ دادگاه عمومی و جزایی کرمان رای به اعدام متهمان در ملاعام داد.

## برای گروهی از زندانیان سیاسی در ایران حکم اعدام صادر شده است

احمد جنتی گفت حکم اعدام آنها محرز است و حکم برخی از آنها هم صادر شده ولی تنها به دلیل مصلحت و محضورات، پرونده آنها بلاتکلیف مانده است. اگر نظام احساس کند برای حفظ نظام، برخورد با آنها ضروری است... برخورد قاطع می نماید.

## به حکم دادگاه کرمان سه نفر دیگر را در شهر راور به دار آویختند

بر اساس رای صادره شعبه اول دادگاه کیفری استان کرمان و تایید دیوان عالی کشور سه تبعه خارجی (افغانه) به جرم تجاوز به عنف در شهر راور به اعدام محکوم شدند. خبر گفت این عده همچنین به جرم سرقت و تجاوز به یک زن مسلمان و بی دفاع جمعا به ۳۷۰ ضربه شلاق و ۱۲ سال حبس محکوم شده اند. همچنین یک تبعه خارجی دیگر اهل کشور افغانستان به جرم عمل نامشروع به حنف و مشارکت در سرقت به سه سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. نامبرده که ۱۵ سال سن دارد به لحاظ داشتن سن کم از اعدام تبرئه شده است. گفتنی است این عده به صورت غیر مجاز وارد کشور شده اند

## فستیوال حق زندگی برای همه

ادامه از صفحه اول

### منوچهر ماسوری



هستند. مردمی که از مرگ و سوگواری، بیزارند. باید این عشق و علاقه مردم را به زندگی شاد، در ابعاد وسیع، به نمایش گذاشت. باید به مردم سراسر دنیا نشان داد که مردم ما، با فرهنگ مرگ پرستی، سیاه پوشی و عزاداری، مرزبندی جلدی دارند.

فستیوال حق زندگی برای همه انسانها را در هر کوچه، محله، خیابان و شهر برپا کنید. دسته جمعی، خانواده گی، دست در دست هم در این جشن و پایکوبی ها برای گرامیداشت زندگی، شرکت کنید. زندگی زیباست، زیبایی زندگی را با برپایی هرچه با شکوهرتر فستیوالهای حق زندگی، به نمایش بگذارید. زندگی ترنم خوش موسیقی خنده های کودکان ما است. دست کودکان خود را بگیرد در این فستیوالها شرکت کنید و همراه کودکان خود قهقهه شادی زندگی را سر دهید. زندگی را ارج نهمیم. عشقمان را به زندگی و نفرت و انزجارمان را از قانون ضد انسانی اعدام، با همبستگی انسانی امان و با شرکتمان در این فستیوالها به نمایش بگذاریم.

بشریت است. نقض این حق ابتدایی از سوی حاکمان جمهوری اسلامی، باید متوقف شود. فستیوال حق زندگی را با جشن و شادی، موزیک، رقص و پایکوبی، برگزار کنیم. این فستیوال را در هر کوچه، محله و محل کار، می توان به راه انداخت. هیچ قدرتی نمی تواند با هیچ بهانه ی مانع از برپایی فستیوالها برای ارزش گذاری و قدرشناسی از زندگی باشد. این فستیوالها را می توان، بسته به امکانات و گسترده گی روابط و تشکلهای، می توان حتی در شهرهای چون سنندج، در ابعاد سراسری شهر، برپا کرد. مردم ما، مردمی شاد و عاشق زندگی

عظیم در خارج کشور، این امکان را فراهم کرده است که با هماهنگی اقدامات این جنبش در داخل و خارج و همچنین انعکاس وسیع آن در سطح بین المللی، عقب نشینی های مهمی به رژیم تحمیل شود. تنها گوشه ای از موفقیت های این جنبش، نجات جان افسانه نوروژی، متوقف کردن احکام اعدام و سنگسار کبرا رحمانپور، سعید ماسوری، شهلا جاهد، لیلیا مافی، حاجیه قاسموند، است.

می توان و باید این جنبش انسانی را عمیق تر و گسترده تر کرد. پیشنهادی که من برای فعالین جنبش علیه اعدام، در ایران و خارج از ایران دارم، برپا کردن "فستیوال حق زندگی برای همه انسانها" است. برپایی این فستیوال بیش از هر چیز تاکید ویژه ما بر ارزش والای زندگی انسانی است. زندگی هیچ انسانی، ارزش بیشتری از زندگی انسانهای دیگر ندارد. همه بطور مساوی حق حیات دارند. حق حیات، جزء حقوق پایه ای

چهره بیرونی و علنی این جنبش عظیم، در خارج کشور، کمیته بین المللی علیه اعدام است که فعالین تراز اول جنبش علیه اعدام را در سالهای اخیر در جمع خود متشکل کرده است. این کمیته با متمرکز کردن فعالیت های تاکنونی، سازمان دادن آنها، براه انداختن سایت و از همه مهمتر، انتشار نشریه هفتگی "علیه اعدام" که در تاریخ مبارزاتی کشور، امری بیسابقه است، توانسته است، راه رسیدن به این خواست انسانی مردم ما را، بسیار هموارتر کند. این تشکل ظرفی است برای یک کاسه کردن قدرت این جنبش وسیع اجتماعی و تحمیل این خواست انسانی به رژیم جمهوری اسلامی.

در سالهای اخیر، مردم ما نه تنها علیه قانون مجازات اعدام بطور عمومی، اعلام موضع کرده اند و علیه آن، دست به اعتراض زده اند، بلکه مشخصاً علیه احکام اعدام بسیاری از محکومین به اعدام، کمپین های ویژه ای به راه انداخته اند. حضور نماینده گان این جنبش

## اعدام نمایشی

### منصور ترکاشوند از ایران

اسلام وتبریک برای نشریه

افسوس هر چه می شستی باز هم شپش بود... با لباس کاملا خیس بیرون امدم در سلول باز هم خواب برد شاید از خستگی حمام... صدایم کردن خیلی بعد و وحشیانه، هنوز حکم نداشتم و چیزی به منابلاغ نشده بود از راه رو بیرونم آوردن بعد از این هشتاد و هشت روز اولین بار بود هوای آزاد تنفس می کردم چشم کماکان بسته بود ولی هوای آزاد چیزی نبود که تشخیصش سخت باشد باد... باد... باد... ناگهان بازجو که دیگر صدا و قد و قامتش را می شناختم گفت: خوب حالا وقت غزل خدا حافظی است، آن سی چهل متر را با پای لزان طی کردم آرام آرام به خودم مسلط شدم گفتم به شام دعوت شده ام نه شامی که من بخورم شامی که گرمها مرا بخورن... آخرین سوسه های زندگی را جسته گریخته تجربه می کردم راستش زورم می امد به جرم هواداری یک گروه خط سه ای اعدام شوم پاک اتحاد مبارزانی بودم و جز خودم و رفیقی که اعدام شده بود کسی این را نمی دانست، دیگر داشت باورم می شد پاهایم را بستن و همچنین دستها ولی فقط دو نفر بودند، شک ندارم اگر فریاد زنده باد سوسیالیسم بر می خواست کار را تمام می کردن اما درست دلیل تجربه رفیقی دیگر علا رغم وحشت عقل را از دست ندادم کمی بیشتر صبر کردم می دانستم اگر بزندان از پا شروع خواهند کرد

در باز شدنی خیره می شد تنها یک آرزو داشت زودتر زندگی تمام بشود بعد از نه ماه ما را از هم جدا کردن و از او بی خبر ام این بار سوم بود که مجددا محاکمه و بعد از تبدیل حکم به ابد مجددا برای اعدام می رفت دوسال بود محکوم به اعدام و اید می شد این بازی وحشیانه با حکم از اعدام شنیع تر نباشد کمتر نیست به این، نمایش واقعی اعدام، را اضافه کن صبح روزی که شبش اعدامم کردند را به خاطر دارم بعدا فهمیدم هشتاد و هشت روز است که انفرادیم، چند روز اول انفرادی بدون نور و خورشید را با خط کشی روی دیوار تشخیص می دادم ولی تعزیر پشت تعزیر و اجراسیصدو چند شلاق صادر شده از طرف قاضی تمرکز ما را از من گرفته بود و شب و روز را گم کرده بودم... در آن صبح باز جو با باز کردن دریچه گفت بیا برو حمام آخرشه. در این مدت حمام و آرایش و اصلاحی در کار نبود فقط در فرصت دستشویی می شد کمی خود را تمیز کرد شپش همه جا را گرفته بود چه حمام دل چسبی

سهم ات از زندگی

در ایران اسلامی نه فقط علیه اعدام بلکه علیه اعدام نمایشی هم باید جنگید، نه فقط نمایش با همان معنایی که از کلمه می فهمی بلکه نمایش از نوع رایج آن در زندان. در زندان اسلامی، زندانی هرگز نمی داند حکمی هم دارد، یا نه؟ زنده خواهد ماند، یا نه؟ بسیار از کسانی که در 67 اعدام شدن سالها بود که مدت محکومیتشان تمام شده بود اما حالا در دل سرد خاورانها خوابیده اند حکم دادن و مدت ها اجرا نکردن به شکل طبیعی! این هم یک مدل اعدام نمایشی است حکم را به متهم اعلام میکنند ولی ماهها انرا اجرا نمی کنند شخصا 9 ماه با دوستی که نمی دانم حالا زنده است یا نه؟ و حکم اعدام دریافت و امضا کرده بود، هم تختی بودم هر روز صبح را با یک فلاکس چایی و دو پاکت سیگار ز شروع می کرد، همیشه پاهایش را بغل می کرد و می فشرده با چشمانی حلقه زده به هر

## درباره لغو مجازات اعدام، ضرورت و اهمیت آن

مصاحبه رادیوانتر ناسیونال با منصور حکمت



هیچ شکی نیست، ولی سوال این است آیا انتقام جواب مسئله است! و آیا سیستم قضایی کشور باید بر مبنای خشمی باشد که ما به عنوان قربانی حس میکنیم. یا بر مبنای عقل مان و اینکه چه چیزی دراز مدت و در نهایت از نظر اصولی برای جامعه بهتر است. اگر شما بخواهید قانون گذاری را بدهید دست قربانیان جامعه یک طور دیگری صورت میگیرد. خشم میشود مبنای روابط انسانها و انتقام میشود مبنای مناسباتشان. در این که قربانی حق دارد خشمگین باشد و حق دارد و همه نیز درک میکنند که ضایعه ای که به او وارد شده چقدر طاقت فرساست، در عین حال باید گفت که به همین دلیل دقیقاً مسئله مهمی مثل رابطه انسان ، جامعه انسانی با خودش ، مسئله حق حیات را نباید سپرد به کسانی که دقیقاً عزیزی را از دست داده اند. بعد جامعه بتواند از خودش فاصله بگیرد و بگوید با این حال علیرغم همه فشارها ، آیا ما به خودمان اجازه میدهم کس دیگری را حالا بکشیم. یا نه. به نظر من بحث داغ قربانیان به جای خودش محفوظ ، مبنای قضایی مجازات در جامعه نمیتواند انتقام یا تسکین دادن.....

### آذر ماجدی: چی باید باشد؟

**منصور حکمت:** مبنایش باید جلوگیری از این باشد که این اتفاق دوباره تکرار شود. که آن آدم نتواند دوباره این کار را بکند. مبنایش باید این باشد که این اتفاق به طور کلی کمتر در جامعه رخ بدهد. جامعه ای که اعدام میکند، همیشه هم پر از قتل است و این را باید در نظر گرفت آمریکا نمونه اش است. میکشند از آن طرف هم طرف مقابل را میکشند. کسی که دارد آدمی را میکشد در آن لحظه ای که دارد این کار را میکند به مجازات دیگر فکر نمیکند. یا قیدش را زده. یا فکر میکنند دستگیر نمیشود. بالاخره کسی که آدمی را میکشد، یا کور شده از خشم و ناراحتی دارد که این کار را میکند و یا بالاخره با نقشه قبلی و طرح قبلی میخواهد کسی را بکشد. لابد فکر میکند که گیر نمی افتد. اعدام جواب رشد جنایات در جامعه نیست. باید زمینه هاش را از بین برد. باید جلورش را گرفت. کاری که میشود کرد این است که جامعه را مصون کرد از همچنین اتفاقاتی. مواردش را کم کرد. باید کاری کرد ، آن آدمی که این کار را کرده به قبح مسئله پی ببرد. اصلاح بشود و بخشش را از جامعه بخواهد. و یا در دراز مدت، وقتی نگاه میکنیم، اگر واقعا کسی نگران این است که در جامعه چه قدر بچه ها و زنان و مردم ضعیف تر قربانی جنایاتی از این چنینی میشوند، باید به فکر جامعه ای باشد که در آن این حالت رخ نمیدهد. و اعدام ابدا راهش نیست. اعدام نسخه ایست برای اینکه این قتل ها باشد. این تجاوزات باشد. این اجحافات باشد. اگر جامعه ای می خواهیم که در

قبول شود آن وقت راجع به جنبه های مختلف این که دولت ها ، چرا میکشند ، افراد چرا میکشند ، جنایت های روزمره در جامعه چی هستند ! جنایت های اخلاقی چی هستند ! جنایت های سیاسی چی است ! میشود حرف زد. اما حکمی که به نظر من پشت این بحث لغو مجازات اعدام است ، این است که کسی حق ندارد به هیچ بهانه ای کسی را با نقشه قبلی و با طرح قبلی بی جان کند. قتل عمد قبول نیست. مجاز نیست. من قتل عمد را میگویم برای اینکه ممکن است به طور غیر عمد ، آدم ها در تصادف رانندگی یا در وقایعی باعث مرگ دیگری بشوند. آن بحث دیگری است ، ولی کسی که تصمیم میگیرد کس دیگری را بکشد، قاتل است. اعم از این که دولت باشد یا دولت نباشد. وقتی به یک چیزی میگویند مجازات اعدام انگار دارند پرده پوشی میکنند که خیلی ساده یک قتل دارد اتفاق می افتد. یک روز صبح یک نفر آلات قتاله را بر میدارد و مقتول یا کسی که قربانی خودش هست را میبرد جایی مینشانند و میکشد. به همین سادگی با نقشه قبلی و این دیگر قبول نیست. حالا آن طرف هر کاری کرده شما که حالا دیگر گرفتیدش، میتوانی هزار و یک کار با آن بکنی به جز کشتنش ، و تصمیم میگیری بکشیدش، این دیگر قاتل هستی دیگر، فرقی نمیکند.

### آذر ماجدی: پس ببینید اینجا مسئله سر این

می آید که کسانی که عزیزی را از دست دادند یعنی اینکه کسی عزیزشان را کشته باشد به خصوص وقتی که ما راجع به بچه ها فکر میکنیم ، پدر و مادر هایی که بچه شان را کسی به قتل رسانده یا تجاوز کرده به او و به قتل رسانده ، کسانی هستند که به اصطلاح به سریال میکشند چندین زن یا بچه را تجاوز میکنند یا اینها چه باید کرد!

### منصور حکمت: به نظر من نفرت بر حق ما از

یک همچنین کسانی به جای خودش محفوظ است. و خشمی که آدم ها حس میکنند کاملاً قابل درک است. اصلاً غیر قابل تحمل است ، غم کسی که بچه اش را در یک همچنین واقعه ای از دست میدهد. یا عزیزش را از دست میدهد. در این

دارد. یعنی شما نمیتوانید بگویید من قتل را با قتل پاسخ میدهم. اگر قتل بد است، چرا شما قتل را با قتل پاسخ میدهید. اگر قتل قانونی است و میشود کسی را به حکم قانون کشت، چرا یک نفر دیگر نمی تواند تصمیم بگیرد که آن هم میتواند بنا بر این کس دیگری را به حکم چیز دیگری بکشد. این تقدس که یک عده دولت تشکیل داده اند چیست که به اینها اجازه میدهد که به طور مجاز آدم بکشند و برای مثال به عشایر اجازه نمیدهند که آدم بکشند. به اقشار و افراد اجازه نمیدهند که آدم بکشند. دولت به یک دلیل آدم کشی خودش را توجیه میکند و قاتل هم به یک دلیل دیگر آدم کشی خودش را توجیه میکند. هر دوی اینها منفور است و باید به نظر من لغو شود. همان طور که جلوی قتل مردم را توسط افراد میگیریم، باید جلوی قتلش را توسط ادارات هم بگیریم و دولت چیزی بیشتر از یک اداره و نهاد دل بخواهی از آدم ها نیست. هیچ چیزی به او حق نمیدهد که کسی را آگاهانه و با نقشه قبلی بکشد.

### آذر ماجدی: شما در پاسختان بیشتر به جنبه

سیاسی ، استفاده سیاسی از مجازات اعدام اشاره کردید که دولت ها برای منع کردن مردم میکشند و بعضابه مسئله استفاده از مجازات اعدام برای مجازات قاتلین ، منتها آیا به این صورت است که چون دولت ها دارند از این ابزار مجازات اعدام استفاده میکنند برای سرکوب جامعه پس کلا مجازات اعدام را بگذاریم کنار؟

**منصور حکمت:** ننه ، ابدا. قتل آدمی مجاز نیست. باید بشر بالاخره آخر قرن بیستم و اول قرن بیست و یکم فهمیده باشد که کشتن یک انسان مجاز نیست. درست نیست. قبول نیست. نمیشود این کار را کرد . اسم خودت را بگذاری دولت هم نمیتوانی بکنی، اسم خودت را بگذاری امام نمیتوانی بکنی، اسم خودت را بگذاری سازمان ملل نمیتوانی بکنی ، اسم خودت را بگذاری هر چی، اجازه نداری یک انسان را بکشی. اگر این حکم جا بیفتد آن وقت بحث از اینجا تازه شروع میشود . چرا دولت ها میکشند! چرا عشایر میکشند! چرا پدرها میکشند! چرا شوهر ها میکشند! چرا معتاد ها و فروشندگان مواد مخدر و باند های قاچاق میکشند! چرا ارتش ها میکشند! این آن وقت بحث دیگری است ، اما فرض اساسی این است که آدمی را نباید کشت. کسی اجازه ندارد جان کس دیگری را بگیرد. چه دولت باشد. چه فرد باشد . چه خاندان باشد. چه عشیره باشد. این واقعیت اگر

نتیجه منطقی است که بگوید مجازات اعدام هم باید لغو شود. چون اون هم یک جور قتل نفس آگاهانه با نقشه قبلی است.

**آذر ماجدی:** ولی از مجازات اعدام هم در واقع به عنوان مجازات قاتلین صحبت میشود و مجازات اعدام را به یک نوعی، سدی میدانند در مقابل بالا رفتن جنایت توی یک جامعه، نظر شما در این مورد چیست؟

**منصور حکمت:** این به نظرم حرف پوچی است. اولاً به طور عینی رابطه بین اعدام و موارد قتل توی جامعه، به این صورت نیست. اگر شما بیابید، کشتارهایی که توسط دولت ها شده ، کسانی که دولت ها گرفتند و جلوی دیوار گذاشتند و تیرباران کردند و به دار کشیدند را در یک ستون بنویسید و ببینید چند نفر از اینها کسانی بودند که به جرم قتل در شهر دستگیر شده بودند ، میبینید رابطه جنی بین آنها نیست. آدم ها را به جرم ها و بهانه های مختلف گرفتند و کشتند. این کار حکومت هاست که در طول تاریخ، شهروندان و اهالی را سر جای خودشان بنشانند . به تمکین بکشانند. به اطاعت از دولت بکشانند و جلوی مخالفت ها را بگیرند یک جاهایی هم آدمها را اصلاً به جرمهایی شبیه به این که به مذهب دیگری تعلق داری ، به قومیت دیگری تعلق داری ، خونت چیز دیگری است ، روش زندگیت چیز دیگری است ، گرفتند و کشته اند. وقتی که آلمان نازی میلیون ها نفر را میبرد توی اتاق گاز و از کودک و بچه تا پیر و جوان گاز میزند و همه را میکشد ، این آدم ها جرمی نکرده بودند. اگر شما ستون قربانیان حکومتها را مقایسه کنید با کسانی که بین اینها بودند که گویا به جرم قتل گرفته شدند میبینید که هیچ ربطی بین اینها پیدا نمیکند. اعدام یک ابزار در دست حکومت ها برای ترساندن اهالی، برای سر جلی خود نشاندن اهالی و خب بخشا هم توسط سیستم های قضایی برای مقابله با جرایم به کار میرود. اما حتی فقط جرم قتل نیست که با اعدام پاسخ میگیرد . در خیلی کشور ها اقدام علیه امنیت کشور ، اهانت به ساحت فلان پیغمبر و امام و آخوند ، داشتن فلان روش زندگی ، برای مثال مصرف مشروبات الکلی با اعدام جواب میگیرد . خیلی جاها روابط جنسی آدم ها هم با اعدام جواب میگیرد ، احتکار در شرایط کمبود مواد غذایی با اعدام جواب میگیرد. اعدام چیزی نیست که فقط در مقابل قتل گفته اند گوشه خیلی نا چیزی از آن حکم های اعدامی است که در مقابل قتل و به خاطر مجازات قاتلین داده شده که خود همان هم ایراد

این است که در جامعه چه قدر بچه ها و زنان و مردم ضعیف تر قربانی جنایاتی از این چنینی میشوند، باید به فکر جامعه ای باشد که در آن این حالت رخ نمیدهد. و اعدام ابدا راهش نیست. اعدام نسخه ایست برای اینکه این قتل ها باشد. این تجاوزات باشد. این اجحافات باشد. اگر جامعه ای می خواهیم که در آن قتل نباشد، در آن مجازاتی نباشد، باید خود قانون، انسانی باشد. باید با در نظر گرفتن حقوق بشر باشد. تجربه هم نشان داده در کشور هایی که مجازات اعدام لغو شده، حتی برای قتل هم، کسی را اعدام نمیکنند، موارد قتل پایین تر از کشور هایی است مثل آمریکا که مرکز مجازات اعدام است و جنایت اسلحه کشیدن به روی همبگیر هر روزه اتفاق می افتد.

**آذر ماجدی:** شما به این اشاره کردید که انتقام یا پاسخگویی به خشم قربانیان نباید مبنای تنظیم سیستم قضایی یک کشور باشد و مجازات بر این مبنای تعیین بشود ولی آیا جواب گویی احساسات این قربانیان نباید بالاخره به نوعی در این سیستم قضایی دخالت پیدا کند!

**منصور حکمت:** به نظر من آنچه که قربانی احتیاج دارد محبت عمیق جامعه به خودش است. به این که وضعش را درک کنند. به این که از او حمایت کند. به این که در آغوشش میگیرد و تسلیاش میدهد. این با اینکه چه رفتاری با قاتل میکنیم ربط زیادی ندارد. اگر کسی که میخواهد از طریق کشتن قاتل، نشان بدهد که جان عزیزش مهم بوده برلی جامعه، میخواهد بگوید که ببیند این فلان کس را از ما کشت، یا فلان عزیز ما را کشت، جامعه با کشتن قاتل به من نشان بدهد که به این مسئله اهمیت میدهد. نشان بدهد که جایگاه زیادی برای قربانی قاتل است. نشان بدهد که این عزیز من برای جامعه هم عزیز بوده است. این البته امتداد صاحب خون و دعوی خون بین خانواده ها و عشایر و قبایل هست ولی بالاخره کسی که کسی را از دست میدهد، میخواهد جامعه این ضایعه را عمیقا حس کند. و نشان بدهد حس کرده و برایش ارزش قابل شود. جامعه میتواند به طریق دیگری این را نشان بدهد. به نظر من دفاع از قربانی اگر دفاع واقعی از قربانی باشد که اگر تسلائی واقعی باشد که جامعه به او میدهد. اگر بزرگداشت جلی از کسانی که در این اتفاقات از دست میروند، وجود داشته باشد، اگر خانواده ها و باز مانده هایشان تحت یک حمایت جلی مادی و معنوی از طرف جامعه قرار بگیرند. آن خشم کانالیزه میشود و به سمت دیگری میروند، به سمت ریشه های این جنایت و به سمت عللی که باعث میشود این پدیده ها رخ بدهد. تا اینکه یک شخصی را بردارند و بخواهند به رسم قربانی بگویند، تو این کس را از دست دادی، ما این آدم را جلوی چشم تو تکه پاره میکنیم که تسلا پیدا کنی. این به آدم تسلا نمیدهد. خیلی ها اصلا این تسلا را نمیگیرند. شما نمیتوانید با کشتن قاتل قربانی را زنده کنید و بر گردانید. ممکن است طرف احساس

کند که انتقامش را گرفته ولی انتقام گرفتن جواب آن ضایعه را نمیدهد. راههای دیگری است برای این که آن آدم ها و آنهایی که کسی را از دست داده اند، حس کنند که جامعه عزیزشان میدارد. با آنهاست. در کنارشان است. غم شان را درک میکند. کمک شان میکند که بتوانند از یک همچنین اتفاق ناگوار و طاقت فرسایی عبور کنند. به زندگی شان ادامه بدهند. راهش کشتن طرف مقابل نیست. آن، سیکل بکش بکش را فقط ادامه میدهد. که الان تو این جامعه شاهدش هستیم. این راهش نیست. بگذارید این را بگویم، الان مجازات اعدام در خیلی از کشور ها هست، آیا واقعا مسئله قتل را حل کرده است؟ آیا واقعا خانواده های مقتولین را آرام کرده است؟ واقعا با کسی را سبک کرده؟ جز این که یک روز، در یک صحنه شیع، یکی را میکشند زیر چه داره یا مینندند به یک صندلی و آگاهانه با نقشه قبلی توسط یک کارمند دولت، ظاهرا میکشندش. چیزی به دست نیارده اند. اگر آمریکا با اعدام باعث شده بود، مملکت صلح و صفا بشود، میتوانست بطور مثال بگوید این تاثیر دارد. در کشوری مثل جمهوری اسلامی، بزرگترین قاتل خود دولت است. جالب است که عدالت را از خود بزرگترین قاتل کشور میخواهند. دولت اجازه ندارد کسی را بگیرد و بکشد. دولتی که خودش به خاطر نسل کشی های عظیمی که کرده اند باید در مسند اتهام بنشینند.

**آذر ماجدی:** البته حساب یک دولتی مثل جمهوری اسلامی معمولا در این مباحث جدل است. از آنجایی که ما داریم در باره مجازات اعدام برلی قاتلین صحبت میکنیم، میخواهم یک سوال دیگر ازتون بکنم. مسئله مجازات اعدام به خاطر سیاست مطرح شد و شما آن را کامل رد کردید. حالا اگر از آن طرف معادله نگاه کنیم، الان مردم زیادی هستند که قربانی دادند به رژیم جمهوری اسلامی کسان زیادی را اعدام کرده و این مردم منتظر روزی هستند که بتوانند جواب عدالت را بگیرند. عدالتی که مقامات جمهوری اسلامی را روی صندلی محاکمه ببینند و مجازاتی را که حقشان است بگیرند. الان با لغو مجازات اعدام، یعنی ماعملا این مجازات را برای تمام قاتلین و شکنجه گران جمهوری اسلام کنار میگذاریم. آیا این برای مردم ایران قابل پذیرش خواهد بود؟

**منصور حکمت:** به نظر من اگر مردم ایران انقلاب کنند. که دارند میکنند، یا جمهوری اسلامی را بگیرند. که خواهند گرفت و بعد نشان بدهند که اینها را نمیکشند، بلکه حقارتشان را به نمایش میگذارند، بسیار تاثیر عظیم تری در سرنوشت جهان میگذارند، تا اینکه برای مثال رفسنجانی و خامنه ای را بکشاند و اعدامشان بکنند. آن ممکن است برای یک لحظه تسلا باشد، از اینکه جنایتکاران را به این روز در آورند. ولی به طور واقعی اگر سران جمهوری اسلامی را بگیرند هم محاکمه بکنند، با جنایاتش روبرو کنند و بگذارند

بشریت این را ببینند و بعد این آدمها تا اونجا که واقعا حقشان است یعنی در موضع پس دادن تقاضا جنایاتشان، به صورت خدمت به جامعه، کار برای جامعه، محروم بودن از محبت جامعه قرار بدهند، به نظر من کار عظیم تری کرده اند. به نظر من آخوند ها و پاسدارها و کسانی که در این حکومت این حکومت را سر پا نگه داشته اند و با کشت و کشتار تا اینجا آوردند باید خودشان را به مردم تسلیم کنند و امیلوار باشند که این مردم این عدالت را آن طور که ما میگوییم اجرا میکنند. حزب کمونیست کارگری اگر در صف مقدم چنین انقلابی باشد که میخواهد باشد و میروند که باشد و اگر نفوذی داشته باشد در این روند، که امید داریم داشته باشد. حتما از مردم خواهد خواست که اینها را اعدام نکنند. که اینها را نکشند و اینها را مثل یک جامعه قرن بیست و یکمی متمن محاکمه کنند. اسناد جنایاتشان رو به مردم جهان نشان داده شود و با نمایش کثافتی که اینها کردند، بگذارند کاری کنند که دیگر هیچ جای دنیا جمهوری اسلامی هیچگاه نتواند سر بگیرد. اینکه خود این آدم هلی حقیر به چه روزی در می آید، ما میتوانیم بگذاریم یک گوشه زندگی اشان را بکنند. بالاخره باید مجازاتی را پس بدهند. اما به نظر من قتل با اعدام جواب اینها نیست. جامعه میتواند اینها را، ماهیتشان را، برای دنیا آشکار کند و این مهم تر از هر چیزی است.

**آذر ماجدی:** شاید این سوالی که میکنم از کل بحث جفا باشد ولی از آنجا که به بحث محاکمه مقامات جمهوری اسلامی بر میگردد، آیا با چنین نسخه ای به سازش کاری در مقابل جنایت کارهای مردم متهم نخواهید شد؟ مانند آنچه که بر سر آرژانتین آمد، که در واقع تمام آن قتل ها و آن کشتارها فراموش شد و یک دولت آشتی ملی برسر کار رفت آیا این ....!

**منصور حکمت:** نه ابدا ما طرفدار بخشیدن سران جمهوری اسلامی نیستیم. ما طرفدار محاکمه شون هستیم. چیزی که داریم میگوییم این است که به نظر من مردم ایران میتوانند یک گام اساسی در گسترش مدنیت بر دارند. اگر مجازات اعدام را از لیست مجازات سران جمهوری اسلامی حذف کنند. جامعه ای که اعدام میکند، نمیتواند به یک جامعه انسانی اعتلا پیدا کند. خب معلوم است کسی که میخواهیم مجازاتش بکنیم از جنایتکاران بزرگی هستند. از الان این را میدانیم و خیلی از اسنادش فی الحال معلوم است و عالمانه و عامدانه دارند آدم میکشند. بیست سی سال زن های جامعه را از حقوق انسانی شان محروم کردند. اینها کسانی با مذاهب دیگر را کشتند. به جرم همین. در نتیجه در این شکی نیست که ما با یک عده جنایتکار طرف هستیم و آن ردیف متهمینی که در آن محاکمات خواهند نشست و تلویزیون هلی جهان نشانمان میدهند، یک عده آدمند که لیاقت زندگی در بین مردم ایران را ندارند. در این شکی نیست ولی با نشان

دادان این که مجازات اعدام جزو لیست مجازات هایی که ما می خواهیم اعمال بکنیم نیست، به نظر من جامعه ایران یک گام بسیار بزرگ به جلور میبازد. یک گام بسیار بزرگ بر میدارد به دوران پس از این عقب ماندگی ها و یک مملکت خیلی متمن، آزاد و خوبی میشود برای زندگی در آن. من فکر میکنم مردم ایران میتوانند اینها را محاکمه کنند ولی اعدام نکنند. باید این طور باشد. اگر بخواهند واقعا اعدام کنند باید دهها هزار نفر از اینها را بگیرند اعدام کنند. این خونی که میاشد به روند پیروزی مردم است. همین به تنهایی زیانبار است. من فکر میکنم باید گرفتارشان. محاکمه اشان کرد. کوچکترین سازشی در حقشان نکرد ولی نباید اعدامشان کرد. اعدام کاری نیست که بشر متمن در سیستم قضایی اش میکند و مردم ایران مردم متمنی هستند.

**آذر ماجدی:** آیا شما همان سیاستی که در آفریقای جنوبی دنبال شد را در مورد مقامات جمهوری اسلامی دنبال خواهید کرد!

**منصور حکمت:** ابدا ابدا. به نظر من آفریقای جنوبی یک سازش سیاسی بود. در طرف زورشان به هم نپرسید. اون کار را کردند. برای اینکه به اصطلاح آن طرف به گناهان خودش اعتراف کند. از پیش میدانستند این هم باید بیخشش. صحبت من بر سر بخشیدن نیست. وقتی که مردم ایران اینها را میگیرند، کوچکترین نیرویی برای مقاومت نخواهند داشت. باید بیایند آنجا به جنایاتشان اعتراف کنند. شرایط و عللش را توضیح بدهند و از مردم تقاضای بخشش بکنند. مردم قطعاً زندانشان میکنند. ولی اعدامشان نمیکند. اگر ما نفوذ داشته باشیم در این روند و مردم خط ما را قبول کنند، اعدام را در دستور نمیگذارند. ابدا صحبت از بخشیدنشان نیست اینها قابل بخشش نیستند. به نظر باید با عدالت مردم روبرو شوند. ولی این عدالت مردم است که باید کشتن آگاهانه و عاملانه حتی جنایتکارترین آدم ها را از دستور خارج کنند

به کمیته بین المللی علیه اعدام پیوندید